

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

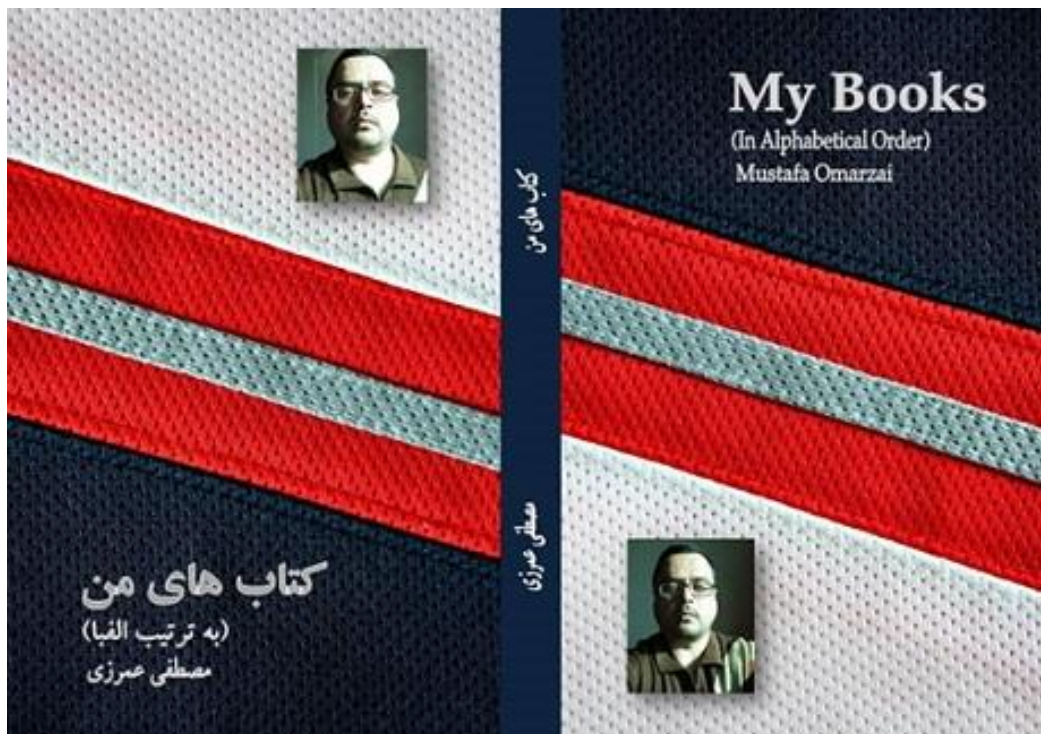
۰۳ اپریل ۲۰۲۵

مرحوم مصطفی عمرزی

## بدترین ستم ملی در فرهنگ پارسی

(همکاری فرهنگی- سیاسی ایران، مضر است)

قسمت دوم مبحث



برای پروار نمودن عنصر بی خاصیت و میان تهی فارسی، معادلات زیادی ساخته اند که از چند دهه ای در افغانستان، گویا مفهوم شده است ایران- پارس بوده و نامی نو است. در حالی که منابع زیادی برای تبیین این دروغ، وجود دارند و تمام اسناد بیش از دو قرن ما با ایران، در رابطه به نام های افغانستان و ایران، تبادل ی رسمی شده اند، زور زدن برای تقلب فارس یا پارسی در عوض ایران، باز کردن جا برای عنصر پارسی به معنایی است که امروز چند تاجیکستانی و ستمی- سقاوی در افغانستان را به شوق بیاندازد تا از ترداف نام های هویتی خویش

با فارسی، گاه چند دیوانه ی تاجیکستانی خیال می کند تاجیکیسم (نسخه بدل فارسیسم عقب مانده) سر به همان ظرفیت بشری ای می رساند که در فاجعه ی حاکمیت ملا چترالی در افغانستان (برهان الدین) زود فهمیدند یک غلطی محض است.

تعمیم اصطلاح پارس به جای نام ایران، اگر هیچ مفاد فزیکی نیاورد، به تعمیم آن فرهنگ سخیف، کمک می کند که مردم ما از تمام اقوامی که این جا، مایملک پدری آنان است، در جدایی به سوی قطب هایی ذهنیت یابند که با واقعیت های ستمی ملی در ایران، و تجربه ی تلخ زنده گی مهاجر افغان در به اصطلاح فارسستان، دیدیم در حالی که اکثریت مهاجران افغان در ایران، تاجیکان و هزاره گان اند، اما هرگز عنصر زبان و مذهب آنان (به اصطلاح فارسی و تشیع) در جذب آنان در ایرانی که ۹۰ درصد غیر پارسی است، ممتثر واقع نشد. صفت زشت «هزاره ی پابتی» و افغانی کثیف، افغانان تاجیک و هزاره را به خوبی از عمق فاجعه ای آگاه کرده است که اگر ولایت فقیه، چند رحیمی و چند محقق استخدام می کند، در سوی دیگر، هزاران افغان پریشان که معنی اشتراکات حوزه ی فرهنگی را با ستم پارسی در ایران، مفهوم شده اند، به دسته ها و اصنافی می مانند که به مجرد بازگشت به افغان زمین مقدس، می دانند چه گونه بر دهن رحیمی ها و آخندک های مزدور ولایت فقیه بکوبند که: آن جا، نه آرمان شهر پارسی بود، بل یاد یار پارسی، گوش جان مان را در واقعیت های غیر انسانی فارسی، به نفع افغانستان، معطوف می کند.

بلی، در دنیای ما، چیزی برای نهران وجود ندارد!

نمونه ی درمانده گی در برابر فارسیسم منحط و متعصب. در این مکتوب از کارشکنی مقامات دولتی در برابر رشد زبان های غیر فارسی، سخن رفته است.

تاریخ: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵  
شماره: ۲۰۲/۶۰۵  
پیوست:

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت کشور  
سازمان ثبت احوال کشور  
اداره کل ثبت احوال استان زنجان

بسمه تعالی

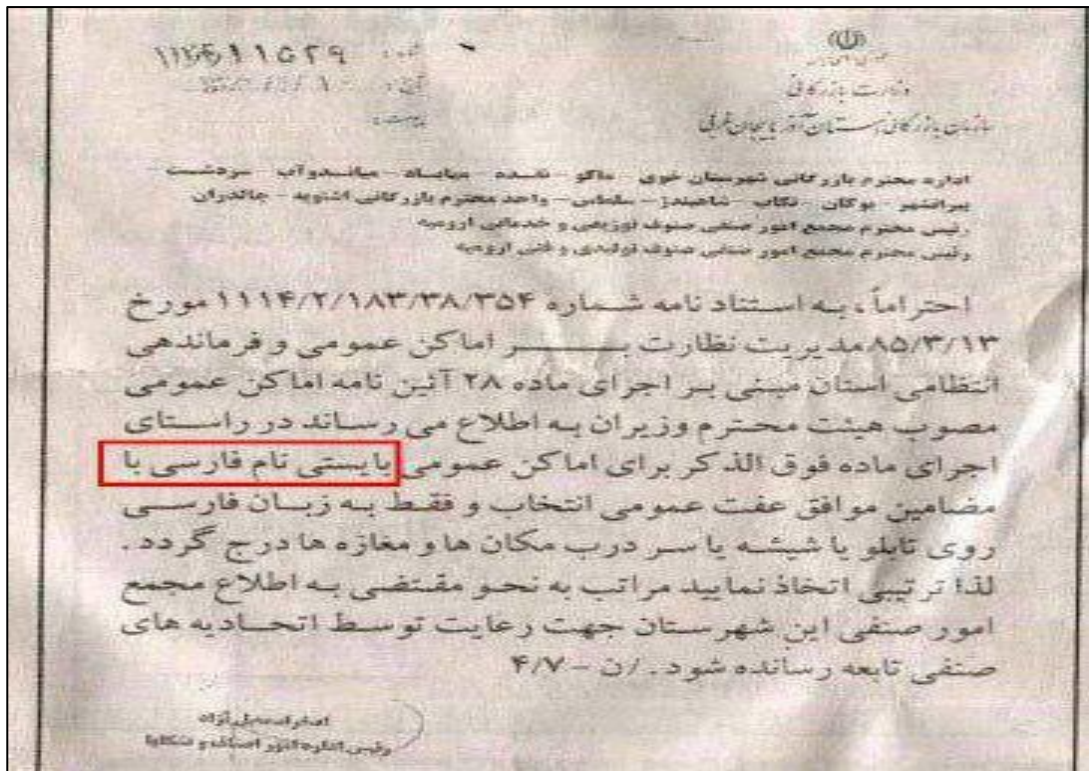
رئیس محترم اداره ثبت احوال زنجان  
سلام علیکم

بازگشت به نامه شماره ۲۰/۱۰۷/۱۳۷۴۳-۹۰/۱۱/۳ در خصوص  
انتخاب واژه اثلین جهت فرزند آقای رضا عباسی، به دلیل اینکه در فرهنگ  
آذربایجانی املاي مرسوم علامت همزه به صورت املاي فارسی آن نگارش شده و  
این امر در اکثر فرهنگ ها به ویژه در فرهنگ آذربایجانی آقای بهزادی در توضیح  
همزه (ء) اشاره شده که از آوردن آن خود داری می گردد. ضمناً به دلیل عدم  
مطابقت فرم نوشتاری و گفتاری و ایجاد مشکل در کتابت واژه برای شنوندگان واژه  
مذکور برای انتخاب نام تصویب نگردید.

رحمان احمدی نژاد  
معاون حقوقی و تسجلی اداره کل

آدرس: زنجان - مجتمع ادارات - اداره کل ثبت احوال تلفن: ۲۲۴۶۰۶۸-۹

فارسیسم حتی اجازه ی نامگذاری غیر از زبان فارسی را نیز نمی دهد. در این سند، روی دلایل واضح فارسیسم بی شرم سفارش می کند نام اماکن در منطقه ی ترکتباران ایران (شمال ایران) فقط به زبان فارسی باشد. پدیده ی فاسد فارسیسم با پشتوانه ی مالی ایران، اگر از یک سو بدترین گونه ی تعصب و تبعیض زبانی و قومی را برای تضعیف ملیت های ایران به نمایش می گذارد، از سوی دیگر با تمام توان نیز کوشیده است به بهانه ی رواج، منافع اقلیت پارس را در تمام منطقه، با ایجاد فاصله و گسست در کشور های همجوار ایران هم جلو ببرد.



نمونه ای از ستم ملی در ایران که پس از رشد پدیده ی فارسیسم – ایرانیسم، هویت مردمان اصیل ایران- چون ترکان را خدشه دار می سازد و با جانشینی کلمات فارسی و کردی، ده ها منطقه و ساحه ی ترکتباران ایران را محو کرده اند.

نام تحریف شده فارسی یا کردی	نام اصلی ترکی
نقده/ نه غه ده/ سندوس	سولدوز ←
تکاب	تیکان تپه ←
شاهین دژ	سایین قالا ←
میانرودان	قوشاچای ←
بوکان	بویوک تپه ←
پیرانشهر	خانان ←
سردشت	ساری داش ←

فارسيسم براي تحميل خويش بر ديگران از هيچ بي شرمي باك ندارد و در اين راستا، توهين را به مثابه ي حربه ي كشنده، به كار مي گيرد. نمونه اي از کارتون هاي توهين آميز به ملت ترك ايران كه در نشر ي «ايران» به نشر رسيده بودند و ضمن آن كه كوشيده بودند با تمسخر، تركان را به سوسك (مادر كيك) تشبيه كنند، سفارش هاي صحي را در غير اخلاقي ترين شيوه، نمايش مي دهند. نشر اين کارتون ها، باعث جنجال هاي فراواني در ايران شدند.

پس از آن كه بریتانویان، كشوری به نام «ايران» (دولت) آفریدند و سكان آن را به دست اقلیت «پارس» سپردند، در راستاي اهداف استعماري آنان، زدودن ميراث ها و داشته هاي افتخار آفرين تركان و عربان كه سر به هزاران سال مي زدند- به عنوان «بيگانه»، آغاز مي شود و آن چه به عنوان نمونه آمده است، گوشه اي از فرهنگ ستيزي قوم پارسي را نشان مي دهد كه در مجعول ترين چهره ی تاريخ، وقتي بر هستي ديگران دست يافت، فقط به فكر خودش است.

**از لابه لای متون**

**چگونه به دستور  
رضاشاه نام های بیگانه  
شهرها و موسسات به  
فارسی برگشت؟**

در سال ۱۳۰۱ به دستور رضاخان سردار سپه وزیر جنگ برای تبدیل واژه های بیگانه به فارسی در ارتش هیاتی از چند تن صاحب نظران و فرهنگیان مرکب از حبیب الله نوبت- ذبیح بهروز- و سرهنگ علی ریاضی (سرلشکر بعدی) که پیشینه خدمات فرهنگی داشت، با همکاری فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) رئیس دفتر وزارت جنگ که فردی نویسنده و ادیب بود، در وزارت جنگ آغاز بکار کرد.

در سال ۱۳۰۲ نام استان خوزستان که تا آن زمان «عربستان» و گاهی «عربستان ایران» نامیده می شد و در کتابهای جغرافیایی مدارس نیز نام این استان به همین گونه ثبت می گردید، به نام اصلی و فارسی خود «خوزستان» (شکرستان) تبدیل گردید، همان نام اصیل پیشین که نظامی گنجوی در منظومه خسرو و شیرین چند بار از آن یاد کرده و از جمله چنین گفته است:

ز بس گز دامن لب شکر افشانند  
شکر دامن به خوزستان بر افشانند

باری تبدیل نام «عربستان» به «خوزستان» از سوی وزارت جنگ به وزارت کشور و از سوی وزارت کشور به تمام وزارتخانه ها اعلام شد و نیز از سوی وزارت امور خارجه طی نامه ۱۷۴۷۵ مورخ ۱۲ دیماه ۱۳۰۲ این موضوع به سفارتخانه های مقیم تهران و

پایان قسمت دوم مبحث